# بتاریخ بیستم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت

## گروه‌های مردمی در شیراز برای استقبال درخور از رئیس دولت کودتا آماده می‌شوند!

بر اساس گزارش‌های رسیده به موج سبز آزادی در آستانه سفر احمدی‌نژاد به شیراز، گروه‌های مختلفی از مردم این شهر برای رساندن صدای اعتراضشان به رئیس دولت کودتا آماده می‌شوند.
احمدی‌نژاد قرار است صبح روز 2 شنبه کتابخانه و مرکز اسناد شیراز را افتتاح کند و سپس بعد از نماز ظهر در مقبره حافظ حضور خواهد یافت. بنابر اخبار رسیده گروه‌های مختلفي از مردم قرار است در همین زمان راهپیمایي اعتراضي در مسیرهاي خیابان ملاصدرا، چهارراه سینما سعدی و چهارراه پارامونت برگزار کنند.
همچنین در روزهاي اخیر دانشگاه علوم پزشکی و دانشکده مهندسی شیراز دستخوش ناآرامي‌هاي بسیاري بوده است و شنیده‌ها حاکي از ان است که دانشجویان نیز برنامه‌هایي براي استقبال در خور(!) از رئیس دولت کودتا در شیراز تدارك دیده‌اند.

## بهنود شجاعی نوجوان محکوم به اعدام 5 بامداد دیروز در زندان اوین اعدام شد

بهنود شجاعي نوجواني که در سن 17 ساله‌گي مرتکب قتل شده بود ساعت 5 بامداد دیروز در زندان اوین اعدام شد .
به گزارش خبرنگار هرانا در حدود ساعت 2:30 دقیقه‌ي بامداد روز یک‌شنبه جمعي بیش از 200 نفر از فعالین حقوق‌بشر و فعالین زن، مادران صلح و دانش‌جویان و هنرمندان با حضور در کنار وکلا و خانواده‌ي بهنود شجاعي در مقابل اوین آخرین تلاش ها جهت جلوگیري از اعدام بهنود شجاعي را انجام دادند که در این بین تمامي اعضاي خانواده به جز مادر مقتول حاضر به رضایت شدند ، اما با عدم رضایت مادر مقتول بهنود شجاعي اعدام شد .
عبداللهي کارمند دفتر یونیسف، حامدا بهداد هنرمند مشهور و پروین فهیمي مادر سهراب اعرابي از کساني بودند که براي نجات این جوان تلاش کردند .
بهنود شجاعي که متولد 1367 است، روز سي‌اُم مردادماه سال 1384 به اتهام قتل در یک نزاع دسته‌جمعي بازداشت و به کانون اصلاح و تربیت تهران منتقل شد .
این نوجوان در 26 بهمن 1384 از سوي شعبه 74 دادگاه کیفري استان تهران محکوم به اعدام شد و حکم اعدام وي به تأیید شعبه 33 دیوان عالي کشور نیز رسیده بود
بهنود شجاعي پیش از این 5 بار جهت اجراي حکم به زندان اوین منتقل و هر بار با فشارهاي بین المللي جهت توقف حکم از اعدام رهایي یافته بود.

## مرگ یک شهروند بر اثر شکنجه در بازداشتگاه اطلاعات کرمانشاه

احمد محمدی، شهروند کرد که مدتی قبل به همراه 3 تن دیگر در منطقه ثلاث باباجانی بازداشت شده بود، بر اثر شکنجه‌های شدید در بازداشتگاه جان خود را از دست داد .
، نامبرده که در مردادماه گذشته توسط نیروهای اطلاعاتی نظام در منطقه ثلاث باباجانی بازداشت شده بود، هفته گذشته بر اثر شکنجه‌های شدید توسط مأموران اداره اطلاعات کرمانشاه، جان سپرد.

## هو شدن بسیجی ها توسط مردم

بنا بر خبر دریافتي پنج شنبه شب 16 مهرماه ,ساعت 22 درخیابان ولی عصر بین تجریش و پارک وی به دلیل ازدیاد ماشین ها ترافیک سنگینی ایجاد شده بود , این ترافیك که به دلیل یك طرفه شدن خیابان ولي عصر بوجود آمده مردم را خشمگین کرده بود. خودروها در خیابان ولي عصر - پارك ملت بوق مي زدند و تعدادي از سرنشینان آنها که اکثرا جوانان بودند , سرشان را از ماشین بیرون آورده و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند . همچنین آهنگ یار دبستانی من در ماشین ها با صدای بلند شنیده می شد.حدود 15 موتورسوار بسیجی در این خیابان گشت می زدند و مردم را مورد آزار و اذیت قرار می دادند که متقابلا مردم هم آنها را هو کردند. بر اساس این خبر بسیجي ها شیشه یک سواری 206 پژو را شکستند و پلاک آن را هم با خود بردند.

## تجمع و تظاهرات اعتراضی در دانشگاه امام صادق

بنا بر خبر دریافتي دانشجویان دانشگاه امام صادق واقع در پل مدیریت ,صبح روز شنبه 18 مهر تجمع اعتراضي برپا کردند و شعارهاي ضدحکومتي سر دادند .
بنا بر این خبر نیروهاي یگان ویژه به دنبال شکل گیري تجمع به سرعت و ارد عمل شده و به سرکوب دانشجویان پرداختند در این تجمع دوتن از دانشجویان این دانشگاه نیز دستگیر شدند.

## چهار تن از شرکت کنندگان در مبارزات اخیر به اعدام محکوم شدند

یکي دیگر از متهمان وقایع پس از انتخابات در ایران توسط دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد .
به گزارش واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، صبح روز جاري توسط شعبه 28 دادگاه انقلاب به ریاست قاضي مقیسه، حکم اعدام به 'حامد روحي نژاد' از متهمان وقایع اخیر انتخابات که متهم به ارتباط با یکي از گروههاي معاند نظام (انجمن پادشاهي) شده است ابلاغ شد .
نامبرده متهم ردیف دوم پرونده محمدرضا علي‌زماني دیگر محکوم به اعدام شده است که ایشان نیز در یکي از جلسات دادگاههاي اخیر به صورت نمایشي شرکت داده شده بود .
با احتساب این حکم محکومان به اعدام پس از وقایع اخیر در ایران به چهار تن افزایش یافتند که عبارتند از : حامد روحي نژاد، آرش رحمان پور، ناصر عبدالحسیني و محمدرضا علي‌زماني.

## بتاریخ بیستم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت

# آقای موسوی چرا از اعدام بهنود و بهنام و دلارام ها حمایت می کنید؟

**ن. ن.**

صبح دیروز با خبر اعدام دو نوجوان که در دوران کودکی و صغیر بودن مرتکب قتل شده بودند، بیدار شدم. دو نوجوانی که من آنها را بواسطه یِ تبلیغاتِ زیاد مخالفان حکم اعدام می شناختم و به مظلومیت شان پی برده بودم. نو جوان دیگری نیز هست که به علت قوانین وحشیانه یِ جمهوری اسلامی، به جرم دفاع از حیثیت خود و جلوگیری از مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن محکوم به قصاص گشته است. وقتی به موارد محکومین به اعدام نگاه می کنم، از تأسف و عصبانیّت به خود می پیچم و هنگام شنیدن خبر به اجرا در آمدن احکامشان، تا روزها بی طاقت و بی قرر و بی خواب می شوم. عجب دنیایی برای ما ساخته اند. جوانان را از نیازهای طبیعی شان که لازمه یِ حفظ سلامت روحی شان است محروم ساخته اند، زنان را ، به جرم اینکه «بهشت زیر پایشان است» از حقوق برابر باز داشته اند. کارگران را از نان شب و امنیّت شغلی و برخورداری از آبرو و حیثیت و غرور تهی کرده اند، زنان و دخترانشان را به آغوش صدها هوس باز و منحرف جنسی انداخته اند، کودکانشان را در خیابن های شهر به زیر دست جنایتکاران و قاچاقچی ها آواره نموده اند، و هنگامیکه اتفاقی که ناگزیر از این همه فساد و ظلم و بی عدالتی و انحراف و پلیدی بوقوع می پیوندد، اعدام و قصاص شان می کنند و نامش را «عدل اسلامی» و «رحمت الهی» گذاشته اند. اما، جانیانی که علناً به ناموس و جان و مال و حق و حقوق مردم تجاوز می کنند و صرفِ تفریح و یا به جرم دگر اندیشی و دگر باشی، آدم می کشند را آزاد گذاشته و خون مردم را حلالشان می کنند. و تمام این زشتی ها و پلیدی ها و فساد را با عناوین «قانون شرع» و «قانون اساسی» و «ولایت مطلقه» و «مصلحت نظام» و ... قانونی کرده و هیچکس حق اعتراض و مبارزه با این بساطِ غیر انسانی را ندارد. چرا؟ چون قانون را زیر پا می گذارد!

اگر مردم در خیابان ها شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «مرگ بر ولایت فقیه» سر داده و خواهانِ انهدام این ماشین آدمکشی و حق کشی می شوند، و اگر با شعارهایِ «جمهوری ایرانی» و «جانم فدای ایران» هدفِ ساختار شکنی را پیشه کرده اند، چه کسی است که ایشان را مورد اعتراض و تکفیر قرار می دهد؟ چه کسی است که خشونت و تجاوز سرکوبگرانِ دیکتاتور را به بهانه یِ «قانونی بودن» توجیه کرده و دفاع از خود را در مقابل این جانیان «خشونت» می نامد؟

آقای موسوی، چرا از اعدام و قصاص بهنود و بهنام و دلارام ها حمایت می کنید؟ چرا کوشش انقلابی مردم برای برچیدنِ چنین نظام فاسد و پلیدی را محکوم می کنید؟ چرا از حکم امامتان در کشتن هزاران زندانیِ سیاسی بیگناه پیروی کردید و هنوز هم راه او را راه حق مینامید؟ چرا به مردم دروغ می گویید و جوانان از همه جا بی خبر ما را گمراه می سازید؟ در کدام مقطع از زندگی شرم آور جمهوری اسلامی رحم و شفقت و بزرگواری نسبت به ضعفا نشان دادید که بازگشت به نقطه یِ اعدام های دستجمعی و قتل های دگر اندیشان و دگر باشان را «نوید» می دهید؟ در چه زمانی «راه سبز اسلامی تان» همراه با «امید» به آزادی بوده است که اینک آنرا «راه آزادی» معرفی می سازید؟ شما دروغ می گویید! دروغ می گویید وقتیکه هدفِ خود را «آزادی مردم» معرفی می کنید! دروغ می گویید که خود و مشی تان را با عدالت مترادف می سازید! دروغ می گویید هنگامیکه خود را نگران جانباختگان راه آزادی می نمایانید! دروغ می گویید که خود را غمخوار «مستضعفان» می نامید! مگر می شود عادل بود و از اعدام بیگناهان دفاع کرد؟ مگر می شود «غمخوار» بود بر سر سفره یِ خونخواران نشست؟ مگر می توان طرفدار آزادی بود و «آزاد مردان» را تیرباران کرد؟ مگر می توان «سبز» بود و گلهای سرخ را لگدکوب کرد؟

مرگ بر این حکومت دیکتاتور! مرگ بر تمامی حامیان و سازشکارانش!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
نان، مسکن،آزادی – حکومت شورایی!

انتشار از «ندای سرخ» وابسته به گروه «بسوی انقلاب»

20 مهرماه 1388